

بوم‌گرایی و تبلور آن در آثار نیما یوشیج و رالف والدو امرسون

مسلم ذوالفقارخانی^۱

چکیده

بوم‌گرایی^۲ در ادبیات بر روابط و پیوندهای میان ادبیات و جهان پیرامون و طبیعت اطراف تمرکز دارد. شاعران و نویسندگان همواره به طبیعت نگاهی متفاوت داشته‌اند و گاهی این نگاه در خلق آثار منظوم و منثور ایشان نقش مهمی را ایفا کرده است. در طول تاریخ، ادبیات به‌سان آینه‌ای منعکس‌کننده طبیعت بوده و از فرط نزدیکی به نظر می‌آید که این دو در هم ادغام شده‌اند؛ بدین معنا که ادبیات همواره رسانه‌ای بوم‌فرهنگی و انعکاس‌دهنده نیازهای بشری و طبیعی انسان در رویارویی با محیط وی بوده است. پژوهش حاضر بر آن است تا بوم‌گرایی و چگونگی برخورد با طبیعت را در آثار و اندیشه‌های دو شاعر/نویسنده آرمان‌خواه ایرانی و آمریکایی، نیما یوشیج (۱۲۷۶-۱۳۳۸ ش. برابر با ۱۸۹۷-۱۹۶۰ م.) و رالف والدو امرسون^۳ (۱۸۰۳-۱۸۸۲ م. برابر با ۱۱۸۲-۱۲۶۱ ش.) مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. برای این منظور از شعرها و نامه‌های نیما و نیز از رساله معروف امرسون با نام طبیعت^۴ (۱۸۳۶) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آرمان‌خواهی نیما و امرسون رابطه تنگاتنگی با طبیعت دارد و این روابط بر دایره انسان-خدا-طبیعت-عدالت می‌چرخد و به نظر می‌رسد هر دو شاعر طبیعت را منبع اصلی آرمان‌های انسانی تصور می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که آرمان‌گرایی نیما بر عدالت اجتماعی استوار است و آرمان‌خواهی امرسون بر خودسازی، اگرچه هر دو شاعر کم‌وبیش در بخش‌هایی از این محورها به هم نزدیک شده و کاملاً شبیه به نظر می‌آیند. شیوه به کار گرفته شده در این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و به شکل تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر مکتب آمریکایی در پژوهش‌های تطبیقی می‌باشد. لذا محور اصلی این پژوهش، تاثیر و تأثر مستقیم نیست بلکه بر رویکرد التقاط‌گرایی که از اصول مهم مکتب آمریکایی در پژوهش‌های تطبیقی به شمار می‌آید، تاکید شده است.

واژگان کلیدی: بوم‌گرایی، نقد بوم‌گرا، آرمان‌گرایی، نیما یوشیج، رالف والدو امرسون

نوره هفدهم شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹

۱. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری
m.zolfagharkhani@hsu.ac.ir

2. Ecocriticism
3. Ralph Waldo Emerson (1803-1882)
4. *Nature*

مقدمه

شاعران و نویسندگان به طبیعت از دو منظر آفاقی و انفسی نگریسته‌اند. برای برخی از ایشان طبیعت همان مناظر بکر و عُریان بیرونی شامل کوه، صخره، دشت، جنگل، دریا، و .. است که در آثار منظوم و منثور خود آن را به خوبی بازتاب داده‌اند، بدون اینکه بخواهند طبیعت را در خود هضم کرده و در آن بیامیزند (نگرشی آفاقی)؛ مانند منوچهری دامغانی و عمده شاعران کلاسیک ادبیات فارسی (روزبه تجربه عاطفی -۱۲۵- ۱۴۴). برای برخی دیگر طبیعت محل الهام و منشاء تزکیه و تلطیف روحی-روانی است و لذا شاعران و نویسندگان این حوزه به طبیعت، نگرشی انفسی دارند؛ مانند ویلیام وردزورث^۱ و پرسی بیش شلی^۲ (همان)، شاعران عصر رمانتیک انگلستان، و یا رالف والدو امرسون^۳، هنری دیوید ثورو^۴، و والت ویتمن^۵ در ادبیات آمریکا. در ادب فارسی، شاعران انفسی عمدتاً متعلق به قرن بیستم و معاصر هستند؛ نظیر نیما یوشیج و سهراب سپهری. برای این دسته از شاعران، طبیعت محل الهام است و در آن بدنبال گم گشته خود و ثقلی روحانی می‌گردند. باید توجه داشت که شاعران و نویسندگانی که نگرش انفسی به طبیعت دارند، از مرز نگرش آفاقی نیز عبور کرده‌اند؛ بدان معنا که در نگرش انفسی، جلوه‌های آفاقی طبیعت نیز وجود دارد. بی‌شک هر نگرش انفسی از مجرای جلوه‌ها و زیبایی‌های بیرونی و محیطی طبیعت عبور می‌کند.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مکتب آمریکایی در پژوهش‌های تطبیقی و به روش کیفی و کتابخانه‌ای و نیز تحلیلی-توصیفی در صدد یافتن پیوندهای فکری و نظری نیما یوشیج و رالف والدو امرسون است تا نشان داده شود چگونه دو شاعر/نویسنده از دو فرهنگ و زبان مختلف تمایلات طبیعت‌گرایانه و بوم‌گرایانه نزدیکی دارند. بنابراین، محور اصلی این تحقیق، تاثیر و تأثر مستقیم نیست بلکه بر رویکرد التقاط‌گرایی^۶ که از اصول مهم مکتب آمریکایی در پژوهش‌های تطبیقی به شمار می‌آید، تاکید شده است. در مکتب آمریکایی، تاثیر و تأثر یگانه الگوی نقد تطبیقی به شمار نمی‌رود و از دیگر الگوهای روشمند نیز بهره می‌برد؛ این الگوها و چهارچوب‌های تطبیقی عبارتند از: مکاتب و

1. William Wordsworth (1770-1850)

2. Percy Bysshe Shelley (1792-1822)

3. Ralph Waldo Emerson (1803-1882)

4. Henry David Thoreau (1817-1862)

5. Walt Whitman (1819-1892)

6. Eclecticism

جنبش‌های ادبی، ژانرها و انواع ادبی، و موضوعات و درون‌مایه‌های مشترک (۳۳ Jost).

پیشینه تحقیق

نیما یوشیج و شعر او همواره مورد توجه پژوهش‌گران و منتقدین حوزه شعر فارسی بوده است. ناگفته پیداست که بخش مهمی از این پژوهش‌ها به موضوع طبیعت‌گرایی و بوم‌گرایی از یک‌سوی، و سنت‌شکنی و نواندیشی در شعر نیما از سوی دیگر پرداخته‌اند. از آنجایی‌که مقالات و پژوهش‌ها در این حوزه گسترده و متنوع هستند، منتخبی از این پژوهش‌ها انتخاب و بررسی شده‌اند. در این میان می‌توان به مقاله "تجلی شاعرانه طبیعت در شعر نیما یوشیج، سهراب سپهری و شفیع کدکنی" اشاره کرد. سیدجواد زرقانی در پژوهش تطبیقی خود به سه رویکرد شاعران مذکور اشاره کرده است. در نگاه وی، نیما به سمبولیسم گرایش بیشتری دارد و عینیت‌گرایی برای او مهم‌تر از ذهنیت‌گرایی است؛ حال آنکه سهراب بر سورئالیسم تکیه دارد و درهم‌آمیزی با طبیعت نقش مهمی را در سروده‌های وی بازی می‌کند؛ به زعم نویسنده مقاله م. سرشک شاعر استعاره، تشبیه، و تشخیص است و آنچه شعرهای طبیعت‌گرایانه ایشان را متفاوت ساخته است نوع تفکر و ذهن آنها و صور خیالی است که به مدد اندیشه شاعرانه خود خلق کرده‌اند (زرقانی، سیدجواد ۱۹۶-۱۷۱). در پژوهش تطبیقی دیگری با عنوان "مقاومت و براندازی گفتمان ادبی غالب در شعر نیما یوشیج و والت ویتمن"، فاضل اسدی امجد و محمدرضا روحانی‌منش به بررسی شعر نیما و ویتمن و نحوه مقاومت ایشان در برابر گفتمان‌های ادبی غالب دوران خویش در ایران و آمریکا پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله بر این باورند که هدف گفتمان ادبی غالب در عصر ویتمن و نیما حفظ و نگهداری سنت‌های ادبی و باورهای کلاسیک ادبیات آن سرزمین‌ها بوده است و در چنین شرایطی شاعران مذکور توانسته‌اند با به چالش کشیدن این گفتمان صدای خود را به گوش همگان برسانند (اسدی امجد ۴۴-۲۳).

در مقاله‌ای با عنوان "جستاری بر پست‌اومانیسم بوم‌گرا"، دیانوش صانعی ضمن بررسی رمان *اریکس* و کریک نوشته مارگارت اتوود درصدد بررسی مفهوم "انسان" در عصر علم و فن‌آوری است (صانعی ۱۴۸-۱۳۱). بهمن زرین‌جویی در پژوهش دیگری با عنوان "گفتمان دیگرشدن طبیعت: خوانش بوم‌گرایی پسااستعماری موجودات وحشی کمیاب در رمان *امواج گرسنه* اثر آمیتاو گوش" به نقد و بررسی اثر نویسنده

بنگالی-هندی از دیدگاه بوم‌گرایی-پسااستعماری می‌پردازد؛ دیدگاهی که حاصل ادغام دو نظریهٔ بوم‌گرایی و پسااستعماری می‌باشد (زرین‌جویی ۱۳۲-۱۰۳). پژوهش در خصوص بوم‌گرایی در آثار ادبی فراوان و بی‌شمار است ولی آنچه در حوزهٔ ادبیات فارسی و انگلیسی و به شکلی تطبیقی صورت گرفته باشد محدود و اندک است. در پژوهشی با عنوان "ویلیام وردزورث و نیما یوشیج: پیوندهای زندگی، شعر و اندیشهٔ دو شاعر رمانتیک"، کامران احمدگلی و ادريس رنجی، با رویکردی بیوگرافیک و محتوایی، به بحث و بررسی شعر و زندگی این دو شاعر پرداخته‌اند. با استفاده از روشی تطبیقی-توصیفی، نویسندگان مقاله چگونگی رشد فکری و ذهنی نیما و وردزورث را با تکیه بر پیش‌زمینه‌های مشابه زندگی نامه‌ای، اجتماعی-اقتصادی، و فلسفی بررسی و سپس نزدیکی‌های نوسازی دو شاعر در نظریه و عمل را نقد کرده‌اند. از نظر نویسندگان مذکور، هم نیما و هم وردزورث موفق به شکوفایی انقلابی در شعر و نظریهٔ انتقادی کشورهای خود گردیدند به طوری که این انقلاب منجر به سرآغاز شعر مُدرن در انگلستان و شعر نو در ایران شد (احمد گلی ۳۳-۷). محمد باتوانی در مقالهٔ پژوهشی خود با عنوان "رویکرد جدید نیما به طبیعت"، با اشاره به سه رویکرد توصیفی، تقلیدی، و تالیفی (تاویلی)، بر این باور است که نیما یوشیج نگرشی تالیفی به طبیعت داشته است. نویسنده توضیح می‌دهد که طبیعت‌گرایی تالیفی در شعر نیما میل به دوست داشتن و اُلُفت با طبیعت دارد، اما طبیعت‌گرایی تاویلی وی به تفسیر و تاویل علاقه‌مند است. لذا نیما شاعری است که آن‌چنان با طبیعت در آمیخته که هرگز نمی‌تواند خود را از آن جدا تصور کند (باتوانی ۷۱-۵۳).

"بررسی تطبیقی آثار لاهوری و رالف والدو امرسون براساس مفهوم خودباوری" پژوهش دیگری است که در آن آراء و افکار اقبال لاهوری و امرسون مورد کنکاش قرار گرفته است. علی علیزاده و علی ارفع در این تحقیق، "خودآگاهی" در آثار این دو شاعر اندیشمند را به مثابهٔ ابزاری می‌دانند که آدمی می‌تواند به واسطهٔ آن اسرار درونی خود را کشف کرده و بدان پی ببرد. چنین خودآگاهی مانع از تقلید صرف واقعیت‌ها در زندگی انسان می‌گردد. برای نیل به این قیاس، نویسندگان این مقاله از مجموعهٔ اسرار خودی لاهوری و مقالهٔ خودباوری امرسون بهره‌مند شده‌اند (علیزاده ۵۴-۳۹). روح‌الله روزبه کوهشاهی در مقالهٔ خود "رالف والدو امرسون و الهام از حافظ" درصدد اثبات تاثیرگذاری حافظ بر امرسون شاعر برآمده است؛ به زعم نویسنده، روشن‌گری

و آزاداندیشی حافظ بر هسته شعری امرسون اثر گذاشته و شاعر آمریکایی کاملاً در شعر حافظ غوطه‌ور گردیده است به گونه‌ای که امرسون مدیون حافظ است، و بسیاری از شاعران دیگر ادبیات آمریکا تحت تاثیر امرسون به بررسی و تمرکز بر فرهنگ‌های دیگر همت گمارده‌اند (روزبه رالف والدو امرسون ۹۷-۷۷).

۱. بوم‌گرایی و نقد بوم‌گرا

بوم‌گرایی و نقد بوم‌گرا در پی کنکاش و بررسی روابط مابین ادبیات و طبیعت اطراف است. اول‌بار چنین بحث و نقدی به‌عنوان مجموعه‌ای نظری و انتقادی در سال ۱۹۷۰م. در یکی از گرهمایی‌های ولا^۱ مطرح گردید (پارساپور ۱۶). رابطه و پیوند انسان با طبیعت از دوران باستان تا عصر حاضر دستخوش تغییراتی بنیادی و اساسی بوده است. بعد از انقلاب صنعتی و تسلط ماشین و صنعت بر ابعاد مختلف زیست بشری، انسان در برابر طبیعت دست بالا را گرفت و رابطه متناظری (و کلاسیک) انسان و طبیعت تبدیل به رابطه‌ای نابرابر و یک‌سویه (صنعتی) گشت. منتقدین بوم‌گرا برای بحث و تحلیل متون ادبی و بازتاب طبیعت در آنها روش‌های گوناگونی را برگزیده‌اند؛ برای برخی از آنها "طبیعت چیزی جز یک ساختار انسان‌انگارانه که وردزورث [شاعر عصر رمانتیک انگلستان] و دیگران برای اهداف خود خلق کرده‌اند نیست" (پارساپور ۲۰). بسیاری از منتقدین، طبیعت^۲ را مفهومی دربرابر فرهنگ^۳ قرار می‌دهند و همچنین طبیعت را منطبق بر غریزه^۴ تلقی می‌کنند. غریزه عاملی درونی است که بر رفتار تمامی موجودات عالم از جمله انسان اثر می‌گذارد. در فرهنگ فارسی "معین" غریزه عبارت است از: "سرشت و طبیعت .. استعدادی است که حیوان را خودبه‌خود - یعنی پیش از تجربه - به اجرای اعمال مفید و با معنی و پیچیده برمی‌انگیزد و قوای او را بدون احتیاج به اکتساب تعدیل می‌کند" (معین ۱۶۶۲)؛ و نیز "فرهنگ" عبارت است از: "دانش، علم، معرفت .. مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم" (معین ۱۷۴۵).

نواحی محیطی طبیعت را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد. این نواحی، حرکت بشر از طبیعت و مرزهای آن و سیر آرام‌آرام آدمی را به‌سوی فرهنگ و حدود آن نشان می‌دهند. شاعران، نویسندگان، و هنرمندان فراخور احساسات و اندیشه خود

1. WLA, The Western Literature Association
2. Nature
3. Culture
4. Instinct

درباب طبیعت آثار ادبی و هنری خود را در پیوند با یکی از این نواحی خلق کرده‌اند. نواحی مذکور عبارتند از: ناحیه اول، طبیعت بکر و عُریان (اقیانوس‌ها و بیابان‌ها، و .. دست‌نخورده و وحشی و فارغ از سکونت انسان)؛ ناحیه دوم، مناظر دیدنی و شکوهمند طبیعت (کوه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها، درّه‌ها، و ...)؛ ناحیه سوم، اطراف و حومه روستاها (مزرعه‌ها، بیشه‌ها، مراتع، و ...)؛ و ناحیه چهارم، سرسبزی‌ها و زیبایی‌های طبیعی داخل شهرها و سکونت‌های بزرگ انسان (پارک‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، و ...). ناحیه اول و دوم این طبقه‌بندی مورد توجه حماسه‌سرایان و نویسندگان ادبیات ساگا^۱ بوده است؛ گونه‌های ادبی مذکور بر روابط انسان و نیروهای بیکران هستی نظیر سرنوشت و ماوراءالطبیعه و .. تمرکز داشته‌اند. این در حالی است که نواحی سوم و چهارم در ادبیات بوم‌گرایانه و اشعار غنایی که بر روابط میان انسان‌ها از یک‌سوی و رابطه وی با طبیعت از سوی دیگر متمرکز بوده است، متجلی شده‌اند (پارساپور ۲۳-۲۲). به نظر می‌رسد شاعران تعالی‌گرای^۲ آمریکایی در قرن نوزدهم و نیز شاعران عصر رمانتیک انگلستان به ناحیه اول و دوم یعنی فضاها بزرگ و آزاد طبیعت علاقه‌مند بودند و طبیعت را منشاء تأملات و غلیان احساسات غیرقابل کنترل خود می‌دانستند. رالف والدو امرسون را می‌توان در زمره شاعران انفسی و متعلق به ناحیه اول و دوم پنداشت؛ نیز نیما یوشیج را می‌توان شاعری انفسی اما متمایل به نواحی دوم و سوم این طبقه‌بندی در نظر گرفت.

۲. چهارچوب‌های بوم‌گرایی

نظریه‌ها و تئوری‌های بوم‌منتقدان و نقد بوم‌گرایی را می‌توان به‌طور خلاصه در چند حوزه فکری و فلسفی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی‌ها با محوریت طبیعت، فرهنگ، و اندیشه نحوه تعامل منتقدین و نویسندگان ادبی را روشن می‌گرداند:

الف- بررسی مجدد و بازخوانی آثار و نوشته‌های ادبی با محوریت بوم‌گرایی و با تأکید بر طبیعت و جهان پیرامون آن.

ب- تأکید بر امور غیر از طبیعت و جهان آن؛ دغدغه‌های انرژی و منابع طبیعی و توازن و تعادل میان اجزای طبیعت و نیز ادامه‌پذیر بودن این منابع؛

ج- بررسی و تمرکز بر شاعران و نویسندگانی که طبیعت موضوع اصلی آثار ایشان است؛ مانند تعالی‌گرایان آمریکایی، شاعران دوران رمانتیک انگلستان، رمان‌های توماس

1. Saga

2. Transcendentalists

هاردی^۱، و شعرای جورجی^۲ ابتدای قرن بیستم؛
د- واقعیت‌نگاری‌ها و ادبیاتی که بر انعکاس مکان‌ها و جغرافیای طبیعی تاکید دارد؛ نظیر مقالات، سفرنامه‌ها^۳، ادبیات بومی و محلی، و خاطرات؛
ه- نگاه اخلاقی به طبیعت و تاکید بر حقوق طبیعی و ارزش‌های بوم-محور در سایه مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی؛ اجتناب از نگرشی اجتماع-محور به طبیعت و طبیعت را بنیادی مستقل و فارغ از برساختگی‌های اجتماعی و زبانی دانستن (پارساپور ۳۱).

۳. بوم‌گرایی و جامعه‌شناسی

از نظر برخی منتقدین بوم‌گرا، استثمار زیست-محیطی مقدمه‌ای است بر استثمار اجتماعی و این دو پیوندی ناگسستنی دارند (Bate 48). مقوله‌هایی مانند نژاد، جنسیت، و طبقات اجتماعی همواره مورد توجه نقد بوم‌گرا بوده است. رابطه پدرسالارانه بشر با طبیعت در دیگر ارکان اجتماعی تاثیرات شگرف و قابل‌تأملی داشته است. ژان ژاک روسو^۴ معتقد است که تمامی بی‌عدالتی‌های اجتماعی، نابرابری‌ها، و کشمکش‌های نظامی ریشه در تسلط بشر بر طبیعت داشته است. به عبارت دیگر، نظام توحش نزد بشر همواره مولود برتری‌جویی وی نسبت به محیط و جغرافیای طبیعی بوده است (Bate 48). استثمار اکولوژیکی در لایه‌های مختلف روابط اجتماعی رخنه کرده است و همیشه برای منازعات بشری نقش پارادایمی را به عهده دارد. در این میان، می‌توان به نقش پدرسالارانه انسان نسبت به طبیعت اشاره کرد و اینکه چگونه این پارادایم (الگوی ثابت) منجر به سرکوب زنان، به عنوان مثال، و به حاشیه کشاندن آنان گردیده است؛ زنان نیز همچون طبیعتی انگاشته می‌شدند که در اختیار مردان دانا و هوشمند قرار می‌گیرند. برخی از بوم-منتقدان برآنند تا روابط میان پدرسالاری، کاپیتالیسم، و نژادپرستی را در انکار و نفی طبیعت جستجو کنند. تخریب محیط زیست، فقیر ساختن برخی ساکنین کره زمین، خشونت نسبت به زنان، زن‌ستیزی، تبعیض نژادی، و نادیده گرفتن حقوق اقشار ضعیف اجتماعی را می‌توان در سایه پیوندهای تاریخی انسان و طبیعت بررسی کرد.

1. Thomas Hardy (1840-1928)
2. Georgian Poets
3. Travel Literature or Travel Memoirs
4. Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)

۴. بوم‌گرایی و بوم‌فرهنگی

ادبیات و هنر به‌عنوان آینه‌ای از طبیعت از آغاز همواره در هم ادغام بوده‌اند؛ بدین معنا که ادبیات همواره رسانه‌ای بوم‌فرهنگی و انعکاس‌دهندهٔ نیازهای بشری و طبیعی وی در رویارویی با محیط بوده است. لذا انواع ادبی پیشامدرن^۱ هر یک پیوند نزدیک انسان با طبیعت و محیط زیست را نشان می‌دهند: شعر شبانی^۲، شعر دهقانی^۳، ادبیات ایده‌آل‌گرا^۴، و نغمه‌های چوپانی^۵ از آن جمله‌اند. در چنین ادبیاتی، انسان بخشی از نیروی حیات و انرژی جاری در هستی است که با طبیعت و فرهنگ ارتباط و نقش متقابل و کمال‌گرایی را به عهده می‌گیرد. تفاوت اساسی متون غیرادبی با متون ادبی نهفته در همین انرژی پنهان در آثار ادبی-هنری است. هنر این قدرت را دارد که انرژی‌های پس‌زده‌شده و فلج را دوباره زنده کند؛ همان انرژی‌های دیونوسی که نظام آپولونی (یا عقل‌گرای سقراطی) آن را به کنار زده است. مراد از دیونوس، الههٔ کشت و شراب است که در فرهنگ مغرب زمین اشاره به غریزه و بدویت و دل دارد، درحالی‌که آپولو، الههٔ موسیقی و طب و نور، نمادی از خرد و فرهنگ و عقل می‌باشد (داد ۱). بنابراین، هنگامی که فرد به شعر یا یک اثر هنری می‌پردازد، در واقع انرژی مستقر در آن را به محیط زیست فرهنگی خود منتقل می‌کند (Bate 205-245). گریگوری بیتسن از نظریه پردازان بوم‌شناسی، ضمن تاکید بر شباهت میان روندهای حیات فرهنگی و شکل کلامی-پایه‌ای شعر و استعاره، معتقد است که تفکر بوم‌شناسی خود او، بیشتر از یک اصل استعاره‌ی تبعیت می‌کند تا یک اصل کلاسیک منطقی و از این جهت عملکرد ذهن او همانند ذهن یک شاعر است، یعنی بر منطق کلی‌شدهٔ موضوع تمرکز نمی‌کند، بلکه بر شباهت‌هایی که امکان دارد بین حوزه‌ها و پدیده‌های زندگی ساخته شوند و نیز بر گزاره‌های مشترک تاکید دارد. تفکر استعاره‌ی و ارتباطی، به جای منطق قیاسی، به اصولی مرتبط است که براساس آن جهان زیست‌شناختی ساخته شده و بر مبنای آن بوم‌شناسی ذهن می‌تواند موقعیت خود را بشناسد (Bateson 237-242).

بایستی اذعان کرد که ادبیات و تاریخ کهن آن همواره به مقولهٔ بوم‌شناسی و تبلور

1. Pre-modern
2. Pastoral Poetry
3. Georgic Poetry
4. Idyll Literature
5. Eclogues

نمادین طبیعت و بوم در دل خویش پرداخته است. آنچه برای منتقدین و نظریه‌پردازان نقد بوم‌فرهنگی جذاب و مهم است پیوندهای درهم‌پیچیده انرژی و مسیره‌های بازخوردی آن است به گونه‌ای که همواره چیزی بر چیز دیگر اثر می‌گذارد، و این فرایند مسلسل ریشه در منابع فیزیکی داشته و به روندی فرهنگی مبدل شده است؛ به‌عنوان مثال انرژی خورشیدی که مادر تمامی انرژی‌های روی کره زمین است در چرخه فرهنگی تبدیل به اشکال مختلف انرژی اجتماعی، انرژی روانشناسی و یا انرژی خلاق گشته است (Finkle 107-31). در این چرخه بی‌انتهای پویا، به واسطه ادبیات و هنر است که انرژی فرهنگی می‌تواند زایا و فعال شده و به اشکال مختلف بازتولید و بیان گردد.

۵. بوم‌گرایی، بدویت‌گرایی، و آرمان‌گرایی

طبیعت از مهم‌ترین پناهگاه‌ها و اندخسواره‌های شاعران به حساب می‌آید. پیوند میان بوم‌گرایی و آرمان‌گرایی به حافظه جمعی بشر بر می‌گردد آنجا که بهشت عدن و هبوط تبدیل به دو عنصر اصلی آرامش و دلواپسی بشر می‌شوند؛ بهشت "که اصلاً به معنی بهترین مکان است، در فارسی به نام‌های جنت، فردوس .. نیز خوانده شده است و آن، جایی است خوش آب‌و‌هوا و فراخ نعمت" (شمیسا ۲۲۹). لذا غم غربت بهشت "میل به گذر از شرایط بشری به طرز طبیعی، و بازیافتن شرایط ملکوتی است" (شوالیه ۱۳۴) و میل بازگشت به اصل، بهشت آرمانی، سرزمین موعود، و جنت عدن همگی ریشه در آرمان‌گرایی، آرمان‌خواهی، و آرمان‌شهری بشر دارد؛ مکانی که در آن به دور از همه رنج‌ها و دردها بتوان در آغوش طبیعت در آرامش و صلح زیست. شکل هلنیستیک^۱ و لائیک آن در کتاب‌کارها و روزها نوشته هسیود^۲، شاعر یونان باستان و دیگر شعرای رومی و یونانی متجلی شده است؛ عصر طلایی و بدویت‌گرایی بازتاب سرخوشی مطلق است که بشر در گذشته‌های دور از آن بهره‌مند بود، اما در گذر زمان پس از عبور از اعصار نقره و برنز هم اکنون به عصر آهن رسیده است (Abrams 137). بدویت‌گرایی به نوبه خود بر طبیعت و امر طبیعی و فاصله از تصنع و تمامی امور غیرطبیعی و محصول بشر تمرکز دارد؛ لذا در بدویت‌گرایی فرهنگی^۳ "بدویت‌گرا زندگی در طبیعت بکر که هنوز دست انسان بدان نرسیده را بر تمامی شهرها و محیط تصنعی آن ترجیح می‌دهد"

1. Hellenistic

2. Hesiod (c. 750- c. 700 BC)

3. Cultural Primitivism

(Abrams 285). این درحالی است که بدویت‌گرایی گاه‌شناسیک^۱ تاکید بر گذشته‌های دور و رابطه صمیمی انسان‌ها با یکدیگر و با طبیعت دارد؛ دوره‌ای آرمانی که "دولت طبیعت" مقدّم بر اجتماع، شهرها، و نظام‌های سیاسی-فرهنگی بود (Abrams 286).

۶. نیما یوشیج و رالف والدو امرسون

علی اسفندیاری ملقب و معروف به نیما یوشیج در ۲۱ آبانماه ۱۲۷۶ خورشیدی (برابر با ۱۱ نوامبر ۱۸۹۷ میلادی) در دهکده یوش از توابع نور در استان مازندران دیده به جهان گشود. دوران طفولیت او تا دوازده سالگی، که به اتفاق خانواده به تهران مهاجرت کردند، در دامان کوهستان‌ها و طبیعت خوش آب‌وهوای یوش گذشت؛ میل به طبیعت او را واداشت که تا پایان عمر هر تابستان به یوش برود. وی زبان فرانسه را در مدرسه سن لوئی تهران آموخت و بعدها هنر شاعری را از معلّم خود نظام وفا فراگرفت (آرین‌پور ۶۶۷-۶۶۶). نیما را پدر شعر نو فارسی می‌نامند و از آنجایی که با زبان‌های فرانسه، روسی، و عربی آشنا بود تحولات ادبی و هنری جهان را به خوبی درک می‌کرد؛ لذا "دنیا را خانه خود می‌پنداشت و تجربیات دیگران را تجربیات متعلق به انسان و میراث فرهنگی جهان می‌پنداشت" (طاهباز ۱۴۴). سیروس طاهباز، تجدّد نیمایی را تجدّدی درون‌زاد^۲ می‌داند و معتقد است تجربیات جهانی برای نیما امری تقلیدی و صوری نبود بلکه با تکیه بر میراث و سنت فرهنگی خود تلاش کرد آن تجربیات را با باورهای بومی درهم آمیزد؛ این خصوصیت، "نیما یوشیج را به صورت آغازگر اصیل تجدّد در هنر معاصر ایران معرفی می‌کند" (طاهباز ۱۴۷). نخستین اثر منظوم نیما قصه رنگ‌پریده نام دارد که در سال ۱۳۰۰ خورشیدی منتشر شد. این منظومه، شعری طولانی و با محتوایی اجتماعی است؛ به گفته یحیی آرین‌پور: "انقلابات سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۹ ه. ق. شاعر را به کناره‌گیری و دوری از مردم و هنر خود وادار کرد. ولی در میان جنگل‌ها و سر کوه‌ها، طبیعت، هوای آزاد و انزوا فکر و نیت شاعر را تقویت و تربیت کرد و نوبت آن رسید که او دوباره به هنر خود برگردد و "یک نغمه ناشناس نوتر از آن چنگ باز شود" (آرین‌پور ۴۶۹) و "تاثیر نیما در سراینندگان معاصر و آینده مسلم است و به عقیده بعضی‌ها عشقی در کفن سیاه و شاید در تابلوهای ایده آل و شهریار در افسانه شب و دو مرغ بهشتی از نیما متأثر بوده‌اند" (آرین‌پور ۴۸۰). نیما یوشیج در ۱۳ دیماه

1. Chronological Primitivism
2. Endogenic Modernity

سال ۱۳۳۸ خورشیدی (برابر با ۴ ژانویه ۱۹۶۰ میلادی) چهره در نقاب خاک کشید. رالف والدو امرسون، شاعر، فیلسوف، رساله‌نویس، و خطیب آمریکایی در ۲۵ ماه می سال ۱۸۰۳ میلادی (برابر با ۳ خردادماه ۱۱۸۲ خورشیدی) در خانواده‌ای مذهبی در شهر بوستون متولد شد. تحصیلات او در رشته الهیات^۱ بود و مدتی به مقام کشیشی کلیسای دوم بوستون نائل آمد، اما طولی نکشید که وی با برخی مبانی نظری کاتولیک (عشاء ربانی) فاصله پیدا کرد و مجبور به استعفاء از آن مقام گردید؛ او می‌گفت: "من از شغلی که به من محول کرده‌اید استعفاء می‌کنم، زیرا در آن وظایفی هست که قادر به انجامش نیستم" (ویگر ۱۱۳). امرسون سپس برای تعمیم اندیشه‌های خود راهی اروپا شد و در انگلستان موفق به دیدار شاعران رمانتیکی چون ساموئل تیلر کلریج^۲ و ویلیام وردزورث گردید؛ او همچنین با توماس کارلایل^۳، اندیشمند و فیلسوف بریتانیایی، ملاقات‌هایی داشت. اقامت بعدی امرسون شهر کنکورد آمریکا بود جایی که بقیه عمر خود را در آنجا سپری کرد و توانست آثار مختلفی در حوزه نثر و نظم بنگارد و نیز سخنرانی‌های فراوانی را در آنجا و دیگر شهرهای آمریکا ارائه دهد. رساله طبیعت^۴ (۱۸۳۶)، از معروف‌ترین نثرهای شاعرانه اوست که در آن دیدگاه‌های خود در باره تعالی‌گرایی و رابطه انسان، خداوند، و طبیعت را تشریح می‌کند. طبیعت از نگاه امرسون زیبا، و مبنایی است برای زبان و قواعد انسانی و روحانی؛ او عقیده داشت که این انسان است که بایستی دنیای خویشتن را بسازد و استقلال و خودباوری داشته باشد. لذا میان قوانین اخلاقی و طبیعت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (Shaffer 26). امرسون قریب به چهل سال در شهر کنکورد خود را به گفته خودش وقف "لذت‌های ملال آور" خواندن و نوشتن کرد (Porte 11) و توانست بر شاعران و نویسندگان فراوانی در ادبیات آمریکا اثرگذار باشد؛ رابرت فراست^۵، امیلی دیکنسون^۶، هنری دیوید ثورو، و والت ویتمن (Baym 453). مهم‌ترین آثار انتشاریافته امرسون عبارتند از: رساله‌ها، نسخه

1. Divinity
2. Samuel Taylor Coleridge (1772-1834)
3. Thomas Carlyle (1795-1881)
4. *Nature*
5. Robert Frost (1874-1963)
6. Emily Dickinson (1830-1886)

اول^۱ (۱۸۴۱)؛ رساله‌ها، نسخه دوم^۲ (۱۸۴۴)؛ مردان نمونه^۳ (۱۸۵۰)؛ اخلاق انگلیسیان^۴ (۱۸۵۶)؛ و شیوه زندگی^۵ (۱۸۶۰). رالف والدو امرسون در ۲۷ آوریل سال ۱۸۸۲ (برابر با ۷ اردیبهشت ماه ۱۲۶۱ خورشیدی) دیده از جهان فرو بست.

۷. بوم‌گرایی در آثار نیما

نیما یوشیج از تاثیرگذارترین شاعران و اندیشمندان عصر خویش بوده است به گونه‌ای که تجدّدخواهی و سنت‌شکنی‌های وی توانست بر مسیر شعر فارسی و نیز بر فرهنگ، ذهن، و زبان جامعه ایرانی تاثیر عمیق و شگرفی بگذارد (حسن‌لی ۲۷). شعر "افسانه" نیما آن‌چنان بر جامعه ایران در سال ۱۳۰۱ ش. اثر گذاشت که از آن به‌عنوان سنگ بنای شعر نو ایران یاد می‌کنند و محمد ضیاء هشترودی "نیما را با سولی پرودوم مقایسه می‌کند، و همچنان‌که در اروپا او را به پاس شعری از وی، شاعر گلدان شکسته می‌نامند، نیما را شاعر افسانه می‌نامد" (لنگرودی ۱۰۰؛ موحد ۱۱۹-۱۱۷). حتی کتابی با همین عنوان نگاشته شده است که خود میزان تاثیرگذاری این قطعه نیما را بر شعر و اندیشه ایرانی تا عصر حاضر روشن می‌گرداند (نگاه کنید به افسانه نیما به قلم دکتر عطاءالله مهاجرانی ۱۳۸۵). شفיעی کدکنی در کتاب *انوار شعر فارسی* با توجه به مسائل اجتماعی-سیاسی و نیز سنت‌گرایی و نواندیشی از کودتای ۱۲۹۹ به بعد، نیما را در جرگه شاعران سیاسی-اجتماعی (در برابر شاعران غیراجتماعی) و تابع سمبولیسم اجتماعی (در برابر رمانتیسم‌گرایی و رئالیسم اجتماعی و عاشقانه سنتی) می‌پندارد (امین پور ۴۴۹-۴۴۸؛ شفיעی کدکنی ۶۰-۵۹). برای درک جهان‌بینی نیما بایستی میزان بوم‌گرایی و تاثیرات طبیعت و محیط بر شعر و اندیشه او، و نیز درک وی از جهان پیرامون و اقلیم اطراف را مورد بررسی و مذاقه قرار داد. نیما با بهره‌گیری از تخیلی طبیعی و ساده و با میزان تاثیرپذیری خارق‌العاده از حوادث پیرامون و زندگانی روزمره، توانست مایه‌های اصلی خود را از رویدادهای طبیعت اطراف و معیشت روستایی خویش بگیرد (شفיעی کدکنی با چراغ و آینه ۵۷). بنابراین، بوم‌گرایی نیما و نیز آرمان‌گرایی او به خوبی در شعر و کلام شاعر روشن است و انعکاس اندیشه‌های اجتماعی در لابلای آثار منظوم و

1. *Essays, First Series*
2. *Essays, Second Series*
3. *Representative Men*
4. *English Traits*
5. *The Conduct of Life*

منثور وی آشکار و نمایان است.

هستی‌شناسی و جهان‌بینی شاعران نقطه عطف اندیشه و آراء و نیز هسته اصلی کلام ایشان است. برای فهم این هسته فکری و ذهنی می‌توان از برخی معیارها بهره جست: الف- میزان پیوند و یکپارچگی شعر آنها با فرهنگ‌های بومی و جهانی؛ ب- توان شاعر در عمق بخشیدن به مفاهیم و مضامین روزمره؛ ج- قدرت شاعر در فهم و کشف تعبیرات نو از جهان پیرامون و هستی؛ د- توان و قدرت شاعر در کشف روابط تازه مابین فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها (زرقانی ۳۹). طبیعت‌گرایی نیما از جنس همزیستی و همدلی با طبیعت است. طبیعت در شعر نیما منفک و جدا از اندیشه شاعر نیست و نمی‌توان وی را ناظری صرف و شعرش را انعکاسی از آفاق دانست و او را شاعری طبیعت‌گرای آفاقی نامید. طبیعت در شعر نیما از نوع انفسی است؛ یعنی شاعر در طبیعت ذوب می‌شود و اندیشه خود را با آن ورز داده و می‌پروراند. به نظر می‌آید مظاهر طبیعت هرگز از چشم نیما پوشیده نبوده است:

وی همان‌گونه که در زندگانی عملی به روستا و کوهسار و جنگل دلبستگی داشت در شعرش نیز این حالت منعکس است .. توجه او به انواع درختان، گیاهان، پرندگان، حیوانات، حشرات و همه موجودات یادآور نوعی دقت نظر است که در آثار شعری مغرب زمین دیده می‌شود. آیا این خصیصه قوت مشاهده ذاتی نیماست .. یا بر اثر آشنایی با ادبیات فرانسه برای او حاصل شده است؟ .. انعکاس رنگ محلی در شعر نیما از صفات شعر راستین و فطری است. مازندران و جنگل و دریا و کوهستان که محیط زیست او بوده همواره در ذهن و تخیلش تاثیر داشته از این رو از نواحی آن دیار، کوه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها، کومه و کلبه جنگلی، و خانه روستایی، .. درختان و گیاهان خاص منطقه، پرندگان جنگلی و دریایی، ماهی‌ها، .. موجب شده است فراهم آورندگان مجموعه آثار نیما یوشیج برای دفتر اول آن که حاوی شعر اوست واژه‌نامه‌ای طبری ترتیب دهند (یوسفی ۴۸۱-۴۸۰).

برای درک تعاملات نیما با طبیعت، و الهامات وی از آن و نیز آرمان‌ها و ایده‌آلیسم شاعر می‌توان از دو منبع شعری و نامه‌های وی مدد جست. بخش مهمی از اشعار نیما ریشه در همزیستی و تعامل وی با طبیعت و جلوه‌های آن دارد. او به خوبی توانسته است طبیعت را با اندیشه‌های اجتماعی خود درهم آمیزد و با الهام از آن ترکیبی از آخشیجان، مظاهر طبیعی، و اندیشه‌های ناب بشری را ارائه دهد. در یکی از اولین

سروده‌های منظم و کلاسیک خود با عنوان "قصه‌ رنگ‌پریده خون سرد" می‌گوید: "من از آن دونان شهرستان نیم / خاطر پُردرد کوهستانیم، / .. من خوشم با زندگی کوهیان، / چون‌که عادت دارم از طفلی بدان. / به به از آنجا که ماوای من است، / وز سراسر مردم شهر ایمن است!" (نیما مجموعه آثار ۲۷-۲۶). شاعر در این قطعه آشکارا خود را از محیط شهر و مردم آن متمایز می‌کند و زندگی در میان کوهستان و طبیعت را خوش و مطبوع دانسته و بدان می‌بالد؛ و اگرچه آن را پُردرد می‌انگارد اما شادمانه از آن یاد می‌کند و شادمان است. در بسیاری از شعرهای نیما می‌توان به انزوخواهی و بدویت‌گرایی وی پی برد. زندگی در شهر گویی برای شاعر ملال‌آور و تنگ است و طبیعت و جلوه‌های آن را عنصر اصلی آزادی و آزادگی خود می‌پندارد. در قطعه "بشارت"، شاعر می‌گوید: "داد از این شهر و این صناعت داد / چند باید نشست مست و خموش / بندگی چند با دل ناشاد؟ / از زمین برکنید آبادی / تا به طرح نوی کنیم آباد / به زمین رنگ خون ببااید زد / مرگ یا فتح، هرچه بادا باد / یا بمیریم جمله یا گردیم / صاحب زندگانی آزاد ...". (نیما مجموعه آثار ۱۲۷). در این قطعه نیما شهر و شهرنشینی را منطبق با صناعت می‌انگارد و شهرنشینان را در بند مصنوعات زندگانی و زنجیر و محصور در آن می‌پندارد. وی به دنبال طرحی نوست تا زندگانی آزاد را برای هموعان خود به ارمغان آورد. قطعه مذکور را وقتی در کنار دیگر اشعار نیما می‌گذاریم، بخصوص آن دسته از شعرهایی که در وصف طبیعت و زیبایی‌های آن است، بیشتر به عمق نگاه شاعر و بدبینی وی نسبت به شهرنشینی و محیط پُراضطراب آن پی می‌بریم.

گویی زندگانی ماشینی و صنعتی طاقت او را به سر برده است و از بندگی بشر در زیر یوغ صنعت به ستوه آمده است. در قطعه "سوی شهر خاموش"، نیما می‌نویسد: "شهر، دیری است که رفته‌ست به خواب / (شهر خاموشی پرورد / شهر منکوب بجا) / و از او نیست که نیست / نفسی نیز آوا. / مانده با مقصد متروکش او / مرده را می‌ماند / که در او نیست که نیست / نه جلایی با جان، / نه تکانی در تن" (نیما مجموعه آثار ۵۷۱). شهر در نگاه شاعر محیطی خاموش و منکوب است که شباهت به مرده‌ای بی‌جان دارد که هم جلای جان را از دست داده است و هم توان تن و جسم را. تقابل میان طبیعت و شهر و شهرنشینی در جای‌جای شعر نیما موج می‌زند. این تقابل گاهی شکل نمادین می‌گیرد و گاهی عریان و آشکار است؛ همچنین با آرمان‌گرایی و بدویت‌خواهی شاعر همراه است. به عبارت دیگر، هر جا شاعر دم از کِرختی و بی‌حالی شهر و محیط ماشینی

آن می‌زند، آرمانی را جستجو می‌کند که این آرمان ریشه در طبیعت و قوای آرام‌بخش و تعدیل‌کننده آن دارد. لذا وی پناه به باران و مایع حیات می‌برد که هم تعمیدکننده است و هم رهایی‌بخش: "قاصد روزان ابری، داروگا! کی می‌رسد باران؟" (نیما مجموعه آثار ۱۶۹). در جایی دیگر شاعر خود را به سان "ماخ اولا"، پیکره رود بلندی می‌داند که بی‌سامان و نامعلوم همچون بیرون‌شدگان از خانه، به ناکجا آباد می‌رود. طبیعت، خانه اصلی این رود است و گویی نیما خود را با رودخانه‌ای همذات‌پنداری می‌کند که در مسیر زندگانی گم‌گشته و بازی‌روزگار آنها را از مام طبیعت و محیط بی‌آلایش و پاک آن دور انداخته است: "ماخ اولا" پیکره رود بلند/ می‌رود نامعلوم/ می‌خروشد هر دم/ می‌جهاند تن، از سنگ به سنگ، / چون فراری‌شده‌ای/ (که نمی‌جوید راه هموار)/ می‌تند سوی نشیب/ می‌شتابد به فراز/ می‌رود بی‌سامان؛/ با شب تیره، چو دیوانه که با دیوانه" (نیما مجموعه آثار ۶۹ هـ).

بوم‌گرایی نیما تنها در معنا متبلور نشد؛ او توانست با دگرگونی‌های قابل‌توجهی شعر خویش را در مسیر دیگر اندازد و قالب شعر را موافق با طبیعت واقعی آن گرداند: "نیما بر آن شد که شعر را به طبیعت راستین خود برگرداند، در آن صورت وزن طبیعی و مناسب شعر در پیوند با معنا آفریده می‌شد و شکل بیرونی آن هم پیرو همین هماهنگی پدید می‌آمد" (حسن‌لی ۳۰). نیما معتقد به جهانی هماهنگ و هارمونیک همراه با نیرویی درون‌زاست که در آن "هر چیز به تدریج پیدا می‌شود، هر اولی از یک اول دیگر که پیش از او بوده است چیزی گرفته" (لنگرودی ۱۳۵) و لذا شعر را پدیده‌ای طبیعی که در آن نیرویی درون‌زا مستتر است می‌بیند. به عبارت دیگر شعر، بافتی زنده است که به کمک نیروی محرکه خود از معنا به سمت فرم و صورت حرکت می‌کند. بی‌شک، بایستی نگرش نیما به صورت و معنای شعر را ناشی از خلق طبیعت‌گرا و خوی بوم‌گرایانه وی دانست؛ شاعری که شعر فارسی را از قیدوبند هزارساله خود رها کرد تا بتواند آزادانه به حرکت آید و مسیر واقعی خود را پیدا کند و راه خویش را ادامه دهد. نیما که گویی با اندیشه‌های شاعران تعالی‌گرای آمریکایی آشنا بوده است، می‌گوید:

شاعر آمریکایی والت ویتمن در تحت تاثیر زندگانی در آن سرزمین، قواعد، اوزان و قوافی اروپایی را که یادگار دوره‌های ابتدایی و سادگی بودند، تقلید نکرد، بلکه متکی به اسلوب تازه‌ای در اشعار خود شد و آن شعر سپید (یعنی شعر آزاد از قید وزن و قافیه)

بود .. به طوری که شاعر به هیچ وجه اسیر و معطل وزن و قافیه نمی‌شود، و دست‌وپای احساسات و مقاصد خود را به‌توسط آن کوتاه و بلند نساخته، برای این کار کلمات زیادی و بی‌مورد را دنبال نمی‌کند. پس از آن، در آثار او با زیبایی‌های دیگر شعری رو در رو می‌شویم» (نیما ارزش احساسات ۴۷).

شاعران تعالی‌گرای آمریکایی و رمانتیک‌های انگلستان، همگی مستقیم یا غیرمستقیم معتقد به چنین نظریه‌ای بودند؛ ساموئل تیلر کلریج انگلیسی از پیشروان اصلی آن بود. جان کیتس^۱، دیگر شاعر رمانتیک نامدار انگلیسی، در تبیین ذات طبیعت‌گرایانه شعر، ضمن مقایسه شعر با رویش گیاه، می‌گوید: "اگر شعر به مثابه برگی که از ساقه‌های درختی می‌روید، نشکفتد، همان بهتر که هرگز نباشد" (Partington 193). لذا طبیعی زیستن و طبیعی اندیشیدن، مایه اصلی فکری و هنری شاعران تعالی‌گرایی همچون والت ویتمن، هنری دیوید ثورو، و رالف والدو امرسون بوده است. نیما نیز فراخور اندیشه و خامه بوم‌گرایانه و بدویت‌خواه خود در همین مسیر حرکت کرده است. در بسیاری از نامه‌های خود سخن از انزوا، بدویت‌گرایی، آرمان‌های اجتماعی و بشری می‌زند. در نامه‌ای به برادر خود می‌نویسد: "تعجب نکن چرا انزوا را این‌قدر دوست دارم. تو را به طراوت صبحگاهی، به نسیم سحری قسم، مرا به حال خود بگذار .. من هرگز انزوای عزیز خود را به بهای چیزی بیهوده نمی‌دهم و قلب خود را که به قیمت کائنات تمام شده تسلیم جمعیت نمی‌کنم" (نیما مجموعه کامل ۵۵). او شاعر را مظهر طبیعت می‌داند و قلب وی را آیینی‌ای از تحریکات عجیب خیالی و رقیق می‌انگارد (نیما مجموعه کامل ۱۴۷). در نامه‌ای دیگر می‌نویسد:

سکنه این قریه وحشی [یوش]، ساده و زودباورند. در اینجا به من بالنسبه خوش می‌گذرد. از شنیدن اخبار دورم. از دیدن اشخاص ناجور آسوده هستم. هوا خیلی سرد است به طوری که گاهی در آفتاب به آتش محتاج می‌شویم. هفته‌ای یکی دو روز استراحت می‌کنم. باقی اوقات عرمم به گردش در کوه‌ها می‌گذرد .. وقتی که خسته می‌شوم قدری می‌خوابم. بعد از خواب در کنار این رودخانه روی تخته‌سنگ‌ها یا روی تنه بریده این درخت جنگلی نشسته آواز می‌خوانم. چقدر خوش است انزوا و دوری از مردم! چندان تفاوتی بین من و این پرنده نیست، جز اینکه او پر دارد و بهتر از من در این فضای باشکوه جولان می‌دهد. اما من هم به این خوشم که از راه خیال بر او سبقت می‌گیرم (نیما مجموعه کامل ۱۹۶-۱۹۷).

1. John Keats (1795-1821)

گویی او همنشینی با طبیعت، دوری از شهر و زندگانی مصنوع آن، و غرق شدن در طبیعت را زمزمه و بر زبان خود جاری می‌کند؛ اما بلافاصله به این می‌اندیشد که این خیالی بیش نیست و آرمان‌ها همیشه برآورده نمی‌شوند؛ لذا در همان نامه ادامه می‌دهد: "کجا یک پرنده می‌تواند فضایی را به دلخواه برای پرواز کردنش، آن‌طور که هیچ آسیبی در آن نباشد، پیدا کند؟" (نیما مجموعه کامل ۱۹۷). وی ضمن شکایت از آلام زندگانی شهری و تسلط ماشین بر طبیعت، از عادت‌ها و وابستگی‌های کور بشر می‌نالند. در نگاه او حیات بشری در حصار ماشین و صنعت به مجموعه‌ای از عادات با مکانیسمی در خود فرو رفته تبدیل شده است:

انسان، ماشین نیست. تمام قوای انسانی نمی‌توانند بالموازنه کار کنند. در هر کس یک چیز بر چیز دیگر غلبه دارد. اکنون می‌توانم افسوس بخورم برای آن زمانی که گاهی تا مقارن ظهر در زیر سایه یک درخت وحشی، یا در دامنه سبز و معطری که مشرف سرای گوسفندها بود، استراحت می‌کردم و در جزئیات اعمال و افعال طبیعت دقیق می‌شدم.. فقط به محسنات و آلام زندگانی می‌توان عادت کرد. حیات ما جز عادت چیز دیگر نیست. هر وقت مبارزه می‌کنیم برای این است که می‌خواهیم از عادت به عادت دیگر متصل شویم (نیما مجموعه کامل ۴۱۵).

با رویکردی بوم‌گرایانه و طبیعت‌محور و نیز نگرشی منفی به شهر و صنعت آن، نیما حتی نظام آموزشی و تعلیم و تربیت را در سایه زندگانی مادی و صنعتی می‌بیند به گونه‌ای که کودکان بیچاره را در اسارت خود محبوس کرده است: "با دقت هر چیز از پروگرام آن [مدرسه] را برای اسارت و محرومیت ساخته‌اند" (نیما مجموعه کامل ۴۵۹). وی طبیعت را مایه اصلی تربیت انسان‌ها و دقیق شدن در آن را منشاء احساسات نازک می‌داند؛ در ادامه همان نامه می‌نویسد: "ببینید من خودم چقدر با کوه و جنگل به سر بردم. زندگانی من اساساً مثل زندگانی یک ناحیه‌ای بوده است که هر چه می‌دیدم کوه و جنگل بوده است. اما چقدر هم لازم است تربیتی که انسان را برای استفاده از چیزهای خوب طبیعت، آماده‌تر کند. یعنی به او احساسات دقیق داده باشد در چیزهایی که پیش از این دقیق نمی‌شده است، دقیق شود" (نیما مجموعه کامل ۴۵۹). نیما به شکل حیرت‌آوری طبیعت و مظاهر آن را نظیر وحش و حیوانات، همچون کتاب معرفت‌الروحي (روانشناسی) می‌داند که بایستی تعالیم آن را آموخت و در زندگانی بشر تعمیم داد؛ در نامه‌ای که در یوش نوشته است، می‌گوید:

برای مطالعه و دقت در این مساله [انسان‌شناسی] لزوم ندارد به تاریخ اشخاص بزرگ و مشهور نگاه کنیم. من از "میرکا" گاو جنگی معروفی که در حوالی جنگل نزدیک منزل دارد، یاد می‌گیرم. من نصف نظریات خود را در این‌گونه چیزها از زندگانی این وحوش پیدا می‌کنم. این حیوانات کتب معرفت‌الروح هستند، کتبی که چاپ نمی‌شود! دوست من! آیا ما اطفالمان را مثل حیوانات تربیت می‌کنیم؟ یعنی اول لیاقت را در آنها رشد می‌دهیم؟ بدبختانه باید بگویم، نه! اول روح آنها را که حسب‌الوراثه خفه و ضعیف است، خفته‌تر ساخته در هوای محبوس شهرها محبوس بار می‌آوریم. پس از آن آنها را با آداب و اخلاق مصنوعی عصری می‌آزماییم (نیما مجموعه کامل ۲۱۳).

به راستی نیما را باید اندیشمندی دانست که با الهام از طبیعت بکر و تاکید بر بدویت بی‌آلایش نهفته در آن، همگان را به بازنگری خویشتن خویش و بازسازی اخلاقی و معنوی فرا می‌خواند. از نگاه او این‌چنین آرمانی محقق نمی‌شود مگر با منطبق ساختن خویشتن با کتاب طبیعت و درآمیختن با آن؛ طبیعت همه چیز را کوک می‌کند و هرچه بشر از آن دورتر باشد ناهماهنگی درونی و روانی او بیشتر خواهد شد. در نامه‌های دیگر تجربه ناب اقامت یکی از اقوام در میان جنگل‌های تلیکسر را این‌گونه توصیف می‌کند: خانه آنها نه در دارد، نه دیوار. در ساحل رودخانه ساکتی است که به دریا می‌ریزد. پشت بامشان علف است. کاملاً مونسشان بیابان و جنگل! وحوش تا پشت در اطاقشان تردد می‌کنند. هر وقت هیزم می‌خواهند در زیر همین اطاق می‌نشینند. می‌روند به جنگل داخل می‌شوند، هیزم می‌آورند. در جوارشان گاو‌شان و مرغشان منزل دارد. نه بهار از آنها مخفی است نه زمستان. طبیعت را می‌بینند. متفکر و مستقل و آزاد بار می‌آیند. زیر دستشان بنفشه می‌چینند. از بالاسرشان مرغان دریا را صید می‌کنند. با کسی دشمنی ندارند و کسی با آنها دشمنی نمی‌کند (نیما مجموعه کامل ۳۱۰).

نمونه‌های فراوانی از این‌دست را می‌توان در نامه‌ها و نثر دلنشین و شاعرانه نیما یافت. نیما ضمن تاکید بر طبیعت و قدرت اعتدال‌بخش آن، در پی جستجوی آرمان و ایده‌آلیسم خود در آن است. دست‌نوشته‌های منشور و نامه‌های نیما از شعرهای سمبلیک و نمادین او روشن‌تر و صریح‌تر است. به عبارت دیگر، با کنار هم گذاشتن اشعار و نامه‌های او می‌توان به خوبی ارزش‌های بوم‌گرایانه و اندیشه‌های آرمانی وی را بازشناخت. می‌توان گفت از نگاه نیما معضل بشری نهفته در دوری او از زندگانی طبیعی، و قهر آدمی با طبیعت است؛ بدین معنا که، بشر هرچه از طبیعت دورتر شده و به

زندگانی ماشینی و صنعتی خو گرفته است، بیشتر در باتلاق مادیات غرق گشته است. بنابراین، آرمان‌گرایی نیما را می‌توان در پیوند میان طبیعت و اجتماع بشری دریافت. آرمان‌گرایی که ریشه در همزیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت، ارزش‌های طبیعی، معنویت آن، نیروی پنهان طبیعت، و آشتی میان فرهنگ بشری و طبیعت دارد؛ همان‌که امرسون از آن به‌عنوان تاریخ طبیعی^۱ و تاریخ بشر^۲ یاد می‌کند و پیوند میان آنها را کمال و یکپارچگی دانسته و هر یک را به تنهایی بی‌ارزش می‌انگارد.

۸. بوم‌گرایی در آثار امرسون

در رسالهٔ طبیعت، رالف والدو امرسون تلاش کرده تا نشان دهد تجربهٔ بشری و فهم وی از محیط زندگانی می‌تواند به حل معمای زندگی کمک کند؛ لذا روابط خدا، انسان، و طبیعت در سایهٔ درک بشری محقق می‌شود. این رساله که از مهم‌ترین دستاوردهای طبیعت‌گرایی و بوم‌گرایی امرسون به حساب می‌آید، از یک مقدمه و هشت بخش تشکیل شده است. از نگاه این متفکر شاعر، طبیعت و روح دو عنصر تشکیل‌دهندهٔ هستی هستند. وی طبیعت را "نه من"^۳ توصیف می‌کند و با این حساب هرآنچه بیرون از فهم و دنیای درونی بشر بوده و محیط اطراف وی را اشغال کرده باشد، طبیعت می‌داند. به‌عبارت‌دیگر، توصیف امرسون از طبیعت آمیخته‌ای از نگاهی روزمره و عادی و نیز نگرشی فلسفی است: "در نگرشی فلسفی، تمام هستی از طبیعت و روح تشکیل شده است. بنابراین، هرآنچه از ما تفکیک یافته، هرآنچه فلسفه به‌عنوان "نه من" می‌شناسد، یعنی هم طبیعت و هم هنر، نیز همهٔ دیگر انسان‌ها و بدن خود من، بایستی در زیر لوای نام طبیعت گنجانده شود" (Emerson 457).

در ابتدای رساله، بخش اول، امرسون به معنای واقعی انزوا و و تنهایی^۴ پرداخته و آن را غرق شدن انسان در طبیعت و پشت سر نهادن تمامی مشغله‌های روزمره و حیات اجتماعی و شهری می‌پندارد. هنگامی‌که آدمی به آسمان‌ها خیره می‌گردد و به ستاره‌های شب می‌نگرد، در واقع به جدایی خویشتن از جهان مادی می‌اندیشد؛ به‌عبارت‌دیگر، ستاره‌های شب، در نگاه امرسون، به آدمی کمک می‌کند تا پیوسته حضور دائمی وجود برتری را در خود حس کند:

1. Natural History
2. Human History
3. Not me
4. Solitude

تمامی اشیای طبیعی و ظهور آن، هنگامی که ذهن آغوش خود را بر آنها باز کرده باشد تاثیر روشنائی بخشی دارند. طبیعت لباس و ظاهری پیش‌پاافتاده بر تن نکرده است. انسان‌های عاقل هرگز درصدد کشف رموز آن نبوده‌اند، و کنجکاوای خود را به باد فنا نداده‌اند تا تمامی ابعاد کمال‌یافته طبیعت را کشف کنند. طبیعت هرگز به سان اسباب‌بازی در دست عاقلان نبوده است. گل‌ها، حیوانات، کوه‌ها منعکس‌کننده بهترین ساعات عقلانیت عاقلان بوده است، به همان میزان که سادگی‌های کودکی آنها را به یاد می‌آورند (Emerson 458).

امرسون می‌نالد که تعداد اندکی از بزرگسالان قادر به درک طبیعت هستند. او می‌گوید که بسیاری از انسان‌ها عاجز از تماشا و درک واقعی خورشید می‌باشند، یا اینکه نگاهی سطحی و پیش‌پاافتاده به آن دارند: "عاشق طبیعت و طبیعت‌دوست کسی است که ادراکات درونی و بیرونی وی به معنای واقعی منطبق برهم هستند؛ او کسی است که روح کودکی را حتی تا دوران بزرگسالی در خود حفظ کرده باشد" (Emerson 458). وی طبیعت وحشی و رها را بسیار بارزتر از خیابان‌ها و روستاها می‌بیند. جایی که طبع انسان بهتر با طبیعت منطبق و سازگار است: "لذت و نشاطی که دشت‌ها و مراتع و جنگل به من می‌بخشند رمزی از یک پیوند عجیبی است میان انسان و گیاه" (Emerson 459). علاوه‌براین، امرسون طبیعت را عین خرد و ایمان می‌داند:

در میان طبیعت و جنگل، به خرد و ایمان باز می‌گردیم. چنین می‌پندارم که هیچ چیزی نمی‌تواند در زندگانی من اتفاق افتد، نظیر بی‌آبرویی و فلاکت، که طبیعت نتواند آن را درمان کند. هنگامی که بر روی زمینی عُریان می‌ایستم – سرم در هوایی شاد غرق می‌شود و در فضایی لامتناهی حرکت می‌کند – و این یعنی تمامی غرور و خودستایی من نابود شده است. سرتاپا چشم می‌شوم و نامرئی. هیچ می‌شوم. همه چیز را می‌بینم. تمام امواج هستی در من به جریان می‌افتد؛ تا اینکه بخش یا تکه‌ای از خداوند می‌شوم (Emerson 458-459).

در تحلیلی شاعرانه از طبیعت، وی از یکپارچگی ادراکاتی که از جلوه‌های گوناگون طبیعت به دست می‌آید سخن به میان می‌آورد؛ درک کلیتی که خود از اجزای مختلفی شکل گرفته است و تصویری یکپارچه بر جای می‌گذارد. این تصویر یکدست و واحد، محصول نماها و جلوه‌های متنوعی است که در کنار هم هر یک نقش خود را بازی می‌کند. امرسون می‌گوید: "در افق خاصیتی وجود دارد که باید گفت نه هر انسانی چشم

بصیرتی برای یکدست‌سازی قطعات گوناگون آن پهنه را داراست، مگر اینکه آن انسان، شاعر باشد" (Emerson 458). در واقع وی مانند نیما که ذهنیتی طبیعت‌گرایانه دارد، به هنر و ادبیات در آیینۀ طبیعت نگاه می‌کند؛ یعنی این شاعر است که می‌تواند هنر خود را به مثابۀ هنر طبیعت که متشکل از اجزای گوناگون است بنیان سازد. کلیتی که از یکپارچگی اجزای درون‌ساز به شکل نهایی خود رسیده است. امرسون می‌گوید:

یک اثر هنری چکیده و زبدۀ جهان هستی است. نتیجه یا بیانی دیگر از طبیعت به شکلی مینیاتوری است. زیرا اگرچه جلوه‌های طبیعت بی‌شمار و متنوع هستند، نتیجه یا بیان آنها واحد و مشخص است. طبیعت، مجموعه‌ای از عناصر به شدت شبیه به هم و در عین حال بی‌نظیر است. یک برگ درخت، نور خورشید، یک منظره، اقیانوس، تصاویر شبیه به هم در ذهن ایجاد می‌کنند. آنچه در همه آنها یکسان است کمال و یکپارچگی می‌باشد که از آن به‌عنوان زیبایی یاد می‌شود. بنابراین، معیار زیبایی چیزی نیست مگر مدار کاملی از اشکال متنوع طبیعی، کمال طبیعت. همان که ایتالیائی‌ها از آن به‌عنوان "کثرت در وحدت" (*il piu nell' uno*) یاد می‌کنند. هیچ چیزی به تنهایی زیبا نیست، و هیچ زیبایی غیر از کمال نیست .. شاعر، نقاش، مجسمه‌ساز، موسیقیدان، معمار و مهندس همگی در پی این بُعد زیبایی در جهان هستی هستند و هر یک در کار خود درصد التذاذ عشق به زیبایی‌اند که این دست‌مایۀ عمل هنری ایشان است. لذا هنر، عبورِ طبیعت از دستگاه صافی بشر است (Emerson 464).

از نوشته‌های امرسون به خوبی می‌توان دریافت که وی طبیعت را آبخشور و دستمایۀ هنر و ادبیات می‌پندارد و شعر را در آیینۀ طبیعت و برآمده از درون آن می‌بیند. بوم‌گرایی امرسون از نوع بوم‌گرایی ساده و در عین حال فلسفی است. امرسون سعی می‌کند کتاب طبیعت را یگانه کتاب شاعران و هنرمندان معرفی کند. برای وی، طبیعت نیاز اصلی بشر برای دستیابی به عشق به زیبایی است. وی معتقد است یونانیان باستان جهان را زیبایی کیهانی می‌پنداشتند. قدرتِ خلاقانۀ چشمان بشر این توان را به وی داد تا از عناصر متلون و گوناگون طبیعت به کلیتی واحد نائل آید. لذا چشم بهترین هنرمندان است (Emerson 460).

امرسون تمامی ابعاد طبیعت را زیبا و مسحورکننده می‌داند. ضمن بیان تقابل و تضاد میان شهرنشینی و بوم‌گرایی، به صراحت می‌گوید که ساکنین شهرها می‌پندارند که مناظر طبیعی تنها نیمی از سال جلوه‌گری می‌کنند:

ساکنین شهرها فکر می‌کنند که تنها در نیمی از سال می‌توان جلوه‌ها و مناظر طبیعت را تماشا کرد. من خود را با تماشای زیبایی‌ها و لطایف زمستان شادمان می‌کنم و معتقدم که همان مقدار که تابستان تاثیرات خلاقانه بر ما می‌گذارد زمستان نیز چنین است. برای چشمانی دقیق و جستجوگر، هر لحظه سال زیبایی خود را دارد، و در همان مزرعه، در هر ساعت، می‌تواند تصویری را ببیند که هرگز پیش از آن ندیده بود و نخواهد دید. آسمان‌ها هر لحظه تغییر می‌کنند و عظمت یا حزن خود را بر زمین زیر پای خود می‌نشانند. وضعیت محصول کشاورزی در مزارع بیان‌گر تغییر حالات هفته‌به‌هفته زمین است (Emerson 461-462).

امرسون بر این عقیده است که هرچه بشر از طبیعت دورتر باشد، کورتر و ناآگاه‌تر است؛ زیرا طبیعت محل تعمق و تفکر و مایه خودشناسی انسان است. اجتماع از نگاه وی، یعنی سنت‌ها و باورهای غیرقابل‌تغییر و مصنوع، و انسان برای نیل به خودباوری و خودشناسی نیازمند دوری از این اجتماع و نزدیکی به طبیعت دارد. لذا انزوا و فردگرایی کمک می‌کند آدمی خود را بهتر شناخته و به خودباوری برسد، زیرا که قدرت بی‌نهایت ذهن انسان در خلوت محقق می‌شود. وی می‌گوید:

خلوت و انزوا تنها پناه بردن به خانه و کاشانه خود نیست، بلکه همان‌گونه که آدمی از اجتماع دوری می‌کند بایستی از خانه خود بیرون آید. من هنگامی که می‌خوانم و می‌نویسم تنها نیستم، اگرچه هیچ‌کسی کنارم نیست. اما چنانچه آدمی تنهاست، پس بایستی به ستاره‌ها بنگرد. نوری که از اعماق سپهر و آسمان‌های دوردست می‌آید، میان آدمی و تمامی چیزهای پست اطراف وی فاصله می‌اندازد. هر شب این سخنوران زیبایی بیرون می‌آیند و لب به سخن می‌گشایند، و جهان را با لبخند موعظه‌گر خود نورافشان می‌کنند (Emerson 457-458).

آرمان‌گرایی امرسون در پیوند تنگاتنگی با طبیعت قرار دارد. آرمان او خداوند، طبیعت، و خودباوری است. حتی هنگامی که به مسئله زبان می‌پردازد، آن را هدیه طبیعت می‌داند. کلمات را نشانه‌های حقایق طبیعی می‌بیند و بر این باور است که "هر کلمه‌ای که برای بیان یک حقیقت اخلاقی یا ذهنی به کار می‌رود، اگر به آبخور آن بنگریم، به نظر می‌آید در یک منظره یا جلوه بیرونی ریشه دارد" (Emerson 464). او همچنین معتقد است این کلمات نیستند که رمزگونه‌اند بلکه این اشیاء هستند که نمادین و دارای نشانه هستند به گونه‌ای که هر حقیقت طبیعی نشان از حقیقتی روحانی دارد. در اینجا به نظر

می‌رسد امرسون نگاهی افلاطونی به هستی و محیط پیرامون دارد و جهان را استعاره‌ای از حقیقت تلقی می‌کند. امرسون ضمن اینکه سخنِ پرسشی بیش شلی را در ذهن دارد، از ماهیت تصویرگونه و دوران کودکی زبان می‌گوید، آن‌هنگام‌که زبان سرتاسر شعر بود و تمامی حقایق روحانی در قالب نمادهای طبیعی بیان می‌شدند. شلی در کتاب دفاع از شاعری (۱۸۲۱) چنین می‌گوید: "در کودکی جوامع بشری، هر نویسنده‌ای ضرورتاً شاعر هم بوده است" (Emerson 466). امرسون سپس به این نتیجه می‌رسد که "تمامی این واقعیات اشاره به امتیازات زندگانی بدوی و طبیعی نسبت به زندگانی مصنوعی و ناقص شهرنشینی دارد" و ادامه می‌دهد: "شاعر، سخنور، که در میان طبیعت رشد یافته باشد، و مناظر طبیعی آبخور ذهن و جان وی بوده باشد، زیبایی‌ها و تغییرات آرامبخش آن، سال به سال، بدون طرح و بدون تفکر، هیچ خللی در آموزه‌های آن منظره‌ها وارد نمی‌سازد" (Emerson 466-467).

نتیجه‌گیری

اگرچه چنین به نظر می‌رسد که نگاه امرسون به طبیعت فلسفی‌تر از نیما باشد اما هر دو شاعر وجوه مشترک قابل توجه‌ای دارند به گونه‌ای که بررسی تطبیقی آثار این دو اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. نیما و امرسون هنگامی‌که دربارهٔ طبیعت سخن به میان می‌آورند آرمان‌خواه و ایده‌آلیست هستند. ارزش‌های بوم‌گرایانه و آرمانی در جای‌جای آثار شعری و غیرشعری ایشان به چشم می‌خورد و پیوند فرهنگ بشری و طبیعت، و تلاقی تاریخ طبیعی و تاریخ بشری را منجر به کمال و یکپارچگی برای انسان و طبیعت می‌پندارند. از نظر ایشان عشق و علاقه به زیبایی آبخور اصلی میل بشر به طبیعت است. در آثار هر دو شاعر این اصل به خوبی نمایان است بخصوص آنجایی‌که زیبایی‌های مسحورکنندهٔ طبیعت را یکی‌پس‌ازدیگری برمی‌شمرند. امرسون هدف نهایی هستی را میل به زیبایی می‌داند، و درک این واقعیت که چرا روح آدمی به زیبایی علاقه‌مند است را ورای عقل و منطق خشک زمینی بشر می‌پندارد. نیما نیز طبیعت را به مثابهٔ عنصری زیبا و جذاب می‌داند و در قدم اول پیش‌ازآنکه از آرمان‌خواهی و ایده‌آلیسم سخن به میان آورد، از زیبایی‌های منحصربه‌فرد طبیعت می‌گوید. علاوه‌براین، طبیعت‌گرایی نیما از جنس همزیستی و همدلی با طبیعت است و هرگز اندیشهٔ خود را منفک و جدای از طبیعت نمی‌داند.

افسونِ طبیعت و اکسیرِ محیط، انزوا و تنهایی، و پناه بردن به دامن طبیعت هسته اصلی اندیشه و تفکرات نیما و امرسون به حساب می‌آید. آنها زیستِ طبیعی و درآمیختن با عناصر طبیعی و محیطی را حیاتی پاک و بی‌آلایش تصور می‌کنند، و انزوا و بدویت‌گرایی را راه‌حلّ نجات بشر از تعلقات اجتماعی و جامعه صنعتی و زندان آن می‌پندارند. هر دو شاعر از فاصله میان طبیعت و انسان می‌نالند و انزوا را فرصتی مغتنم برای انطباق روح آدمی با طبیعت می‌دانند. امرسون از اینکه بزرگسالان از طبیعت فاصله می‌گیرند شکایت می‌کند و حفظ روحیه کودکی تا بزرگسالی را مایه پیوند انسان و طبیعت تصور می‌کند. امرسون طبیعت را خرد و ایمان نیز می‌داند و آن را دارو و درمان دردها و فلاکت بشری می‌انگارد. از نگاه وی این طبیعت است که انسان را در خداوند محو می‌کند و به او تولدی دیگر می‌بخشاید. از آن‌سوی، طبیعت‌گرایی و انزواطلبی نیما به نظر می‌رسد کمتر صبغه الهی و مذهبی دارد و بیشتر بر جنبه‌های سمبولیسم و آرمان‌خواهی اجتماعی تمرکز کرده است. اگرچه هر دو شاعر تفکرات آرمان‌خواهی دارند و طبیعت را برای نیل به آرمان‌های انسانی خود برمی‌گزینند اما نباید فراموش کرد که امرسون و دودمان وی سابقه روحانیت (کشیشی) دارند و رگه‌های مذهبی در آثار وی بیشتر به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، طبیعت‌گرایی که در امرسون دیده می‌شود بر محور انسان-خدا-طبیعت استوار است حال آنکه در نیما این محور انسان-طبیعت-عدالت به نظر می‌رسد؛ این بدان معناست که آرمان‌خواهی نیما بر عدالت اجتماعی متمرکز است و آرمان‌خواهی امرسون بر خودسازی، اگرچه هر دو شاعر کم‌وبیش بخش‌هایی از این محورها به هم نزدیک شده و آراء ایشان کاملاً شبیه به نظر می‌آید.

Ecocriticism and its Reflection in Works and Thoughts of Nimā Yushij and Ralph Waldo Emerson

Moslem Zolfagharkhani¹

Abstract

Introduction: *Ecocriticism in literature concentrates on literature and the environment or Nature; it means it focuses on literature and the physical environment. Such studies call for collaboration between natural scientists, writers, literary critics, anthropologists, historians, and other disciplines. Poets and authors have always been under the influence of the world around and the environment so that nature meant to be a source of inspiration to them.*

Background Studies: *Ecocriticism and Environmental literary studies were first introduced to the world of literature in 1970 in the world's most important assembly "The Western Literature Association" (WLA). After the Industrial Revolution, human beings transformed his connection with nature and started to experience a new era in his life. The earlier connection was based on a mutual relationship, but the new one was entirely shifted to something far from a mutual link. In other words, after the Industrial Revolution, human beings occupied an upper position, and nature suffered from a banal one. Further, the ecocritics enjoy various methods of analysis in their studies; some believe that nature is not more than a humanized structure which some poets like William Wordsworth started to form in their works. Some ecocritics put nature as a counterpart of culture, or identify nature as instinct. Instinct is the main inner motive that transfers its effects to other creatures. It is identified with nature or the animal's desire to do profitable deeds.*

Methodology: *The present study attempts to reveal ecocritical works and thoughts of the two most significant Persian and American poets/authors, Nimā Yushij (1897-1960) and Ralph Waldo Emerson (1803-1882). To do this, the poetry and the letters of Nimā together with Emerson's book entitled Nature (1836) have been selected. It is indicated how Nimā and Emerson's idealism is closely related to nature, and how it is based on Human-God-Nature-Justice circle.*

1. Member of English department. Hakim Sabzevari University. Iran

It is shown that nature is the major source of this circle. Hence, the present study, through the use of the American School of Comparative studies, while applying a library-analytical approach, tries to compare and contrast the major thoughts of Nimā Yushij and Ralph Waldo Emerson due to their literary environmental writings. Furthermore, it is emphasized that these two poets belong to different languages and literature; however, as far as the American School is based on Eclecticism in comparative studies, it is hoped that the major nature-oriented themes and ideas of these poets might be revealed in this essay. It should also be considered that the American School of comparative studies does not concentrate only on the effects or influences in literary studies; to such school, literary movements, genres, and literary types, and the topics and themes of world literature are the fundamental spots of studies.

Results and Conclusion: *The study discloses how Emerson's outlook on nature is more philosophical than Nimā's. When he talks about nature his idealistic motives start to appear. Both poets insist on the unity of human beings and nature by unifying human history and natural history. The beauty of nature is another major theme of their poetry; both look at nature as the source of beauty and its pleasures. Emerson believes that the ultimate end of the cosmos is a desire to beauty. Why human being is so much interested in the beauty is beyond the thoughts and logic of man. Furthermore, Nimā's ecocritical tendencies are closely related to the coexistence of man and nature, and the poet's thoughts are not separated from the beauties of nature and its inspiration. Nature, environment, and the world around are at the core of both Nimā and Emerson's thoughts and writings. To live naturally and to get involved with nature are their ideal way of life. To them, solitude and primitivism are man's solution to release him/her from the chains of society. Both of them complain about human being's distance from nature; they believe that solitude is mankind's opportunity to conform his/her soul to nature.*

Keywords: *Environmental Literary Studies, Ecocriticism, Idealism, Nimā Yushij, Ralph Waldo Emerson*

Persian References

- AhmadGoli, Kamran & Edris Ranji. "William Wordsworth and Nimā Yushij: The Thoughts, Poetry, and Lives of Two Romantic Poets". *Persian Language and Literature*. Vol. 23, No. 24, (Fall & Winter 1394): pp. 7-33.
- Alizadeh, Ali & Ali Arfa. "A Comparative Study of Eghbal Lahoori and Ralph Waldo Emerson's Self-esteems". *Language and Translation Studies*. No. 1, (Spring 1390): pp. 39-54.
- Aminpoor, Gheysar. *Tradition and Innovation in Modern Poetry (Fourth Publication)*. Tehran: Elmi and Farhangi, 1390.
- Aryanpoor, Yahya. *From Saba to Nima (Vol. 2) (Eighth Publication)*. Tehran: Zavar, 1382.
- AsadiAmjad, Fazel & MohammadReza RohaniManesh. "Resistance and Overthrow, the Major Dominant Discourse of Nimā Yushij and Walt Whitman". *Language and Translation Studies*. Vol. 47, No. 2, (Summer 1393): pp. 23-44.
- Batavani, AliMohammad. "Nimā's New Outlook to Nature". *History of Literature*. Vol. 73, (Fall & Winter 1392): pp. 53-71.
- Chevalier, Jean. *Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes (Vol. 2)*. Translated by Soodabeh Fazayeli. Tehran: Jeyhoon, 1379.
- Dad, Sima. *A Dictionary of Literary Terms (Seventh Publication)*. Tehran: Morvarid, 1395.
- Hasanli, Kavooos. *Types of Innovation in Iranian Modern Poetry (Fourth Publication)*. Tehran: Sales, 1396.
- Langroodi, Shams. *Analytical History of New Poetry (Vol. 1 from 1284 to 1332) (Seventh Publication)*. Tehran: Markaz, 1392.
- Mohajerani, Ataollah. *Legend of Nimā (Fourth Publication)*. Tehran: Ettelaat, 1385.
- Moin, Mohammad. *Moin Persian Dictionary (Vol 2)*. Azizollah Alizadeh & Mahmood Nameni. Tehran: Nameni, 1386.
- Movahhed, Ziya. *Yesterday and Today of Persian Poetry (Third Publication)*.

Tehran: Hermes, 1394.

- Parsapoor, Zahra. *About Ecocriticism*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, 1392.
- RoozbehKooohshai, Roohollah. "Sentimental Experiences of William Wordsworth and Manoochehri Damghani in Describing Nature". *Lyric Studies*. Vol. 10, No. 19, (Fall & Winter 1391): pp. 125-144.
- -----, "Ralph Waldo Emerson and Inspiration from Hafiz". *Journal of Comparative Literature*. Vol. 4, No. 7, (Fall & Winter 1391): pp. 77-97.
- Sanei, Diyanoosh. "A Study of Ecocritic Post-Humanism". *Critical Language and Literary Studies*. Vol. 11, No. 15, (1394): pp. 131-148.
- Shafii Kadkani, MohammadReza. *Periods of Persian Poetry: From Constitution to the Fall of Kingdom*. Tehran: Tosan, 1359.
- -----, *With Light and Mirror: In Search of Roots of Change in Iranian Modern Poetry (Fifth Publication)*. Tehran: Sokhan, 1394.
- Shamisa, Siroos. *Dictionary of Mythology and Tales in Persian Literature (Third Publication)*. Tehran: Farhang-e Moaser, 1389.
- Tahbaz, Siroos. *Full of Pains in Mountains: Life and Art of Nimā Yushij (Third Publication)*. Tehran: Zaryab, 1376.
- Wager, Willis. *American Literature, a World View*. Translated by Hasan Javadi. Tehran: AmirKabir, 2535 (Shahanshahi).
- Yoosefi, GholamHossein. *The Bright Spring: A Visit of Poets (Thirteenth Publication)*. Tehran: Elmi, 1392.
- Yushij, Nimā. *The Value of Emotions and Five Articles in Poetry and Drama*. Tehran: Toos, 1351.
- -----, *The Complete Works of Nimā Yushij (Vol. 1 Poetry)*. Siroos Tahbaz & Sheragim Yushij. Tehran: Nasher, 1364.
- -----, *The Complete Letters of Nimā Yushij (Third Publication)*. Com-

plied by Siroos Tahbaz. Tehran: Elm, 1376.

- Zarghani, Mahdi. *The Prospect of Iranian Modern Poetry: Studying the Schools of 20th C. Iranian Poetry (Fifth Publication)*. Tehran: Sales, 1394.
- Zarghani, Seyyed Javad. "The Poetic Manifestation of Nature in the Poetry of Nimā Yushij, Sohrab Sepehri, and Sahfii Kadkani". *Literary Knowledges*. Vol. 3, No. 6, (Spring & Summer 1390): pp. 171-196.
- ZarrinJooyi, Bahman. "A Discourse of Other-Nature: An Ecocritic Postcolonial Study of Rare Beast Creatures in Amitav Ghosh's *Hungry Tide*". *Critical Language and Literary Studies*. Vol. 14, No. 18, (1396): pp. 103-132.

English References

- Abrams, M. H. *A Glossary of Literary Terms*. Ninth Edition. Boston: Wadsworth Cengage Learning, 2009.
- Bate, Jonathan. *The Song of the Earth*. Cambridge: Harvard University Press, 2000.
- Bateson, Gregory. *A Sacred Unity: Further Steps to an Ecology of Mind*. New York: Harper & Collins, 1991.
- Baym, N. *The Norton Anthology of American Literature (The Major Authors)*. Book One. New York: Norton & Company, 2003.
- Emerson, Ralph Waldo. *Nature*. In Baym N. (ed). *The Norton Anthology of American Literature (The Major Authors)*. Book One. New York: Norton & Company, 2003.
- Finkle, Peter. "Die Aubere und Die Innere Landschaft: uber Psychische Energie und Kulturelle Kreativital". In Schiltsky, M. P. (ed). *Piet Trantel auf dem El*. Hameln: Selbstverlag der Kunstlergruppe Arche: 31-107, 1998.
- Jost, Francois. *Introduction to Comparative Literature*. Indianapolis & New York: Pegasus, 1974.
- Partington, Angela. *The Concise Dictionary of Quotations*. Third Edition. Oxford: Oxford University Press, 1997.
- Porte, Joel. "Introduction: Representing America – The Emerson Legacy". In